

جایگاه ثروت در اسلام و نقش آن در زندگی و سرنوشت انسان

مهدی نیک پور^۱

چکیده

زندگی انسان دارای دو جنبه مادی و معنوی است. از جمله امتیازات جهان بینی الهی، توجه به همه جنبه های زندگی بشر است. گاه به نظر می رسد آموزه های معنوی اسلام با نیازهای مادی انسان، در تضاد باشد. وجود آموزه هایی مانند زهد، قناعت و... در اسلام، چنین می نماید که این دین با «ثروتمندی» مخالف باشد. از این رو پرداختن به موضوع «ثروت در نگاه اسلام» با هدف اصلاح این نگرش و روشن شدن رابطه آن با دیگر آموزه های دینی، ضروری است. پژوهش حاضر، به تبیین نقش ثروت در زندگی معنوی و مادی انسان می پردازد. پس از گزارش و تحلیل آیات و روایات مرتبط، یافته ها بیان گر آن است که چگونگی تعامل انسان با اموالش در پسندیده با ناپسند بودن ثروت تأثیر دارد. این نوشتار، پس از تبیین جایگاه ثروت به بررسی آسیب های ثروت اندوزی خواهد پرداخت.

واژگان کلیدی: ثروت اندوزی، دنیاگرایی، فقر، اقتصاد اسلامی، معارف قرآن و حدیث.

از جمله مسائل مطرح در حوزه اقتصاد اسلامی و مرتبط با مباحث اخلاقی، این است که آیا از نگاه اسلام، «ثروتمندی» امری نکوهیده به شمار می آید؟

پاسخ این است که اسلام دو گونه نگاه به ثروت دارد؛ گاهی داشتن مال را تأیید می کند، مانند این که بخشی از احکام اسلامی به عقود و ایقاعات اختصاص داده شده است که با دارایی انسان، ارتباطی مستقیم دارد. در مقابل، مال دوستی و حب دنیا اصلی ترین عامل گمراهی شمرده می شود. همه این موارد نشان از نقش ویژه «مال» در زندگی انسان و تأثیرگذاری آن بر سرنوشت او دارد.

نوشتار پیش رو، به بررسی جایگاه «ثروت» در نگاه اسلام و بیان تأثیرات آن بر زندگی انسان ها می پردازد. چگونگی تعامل با ثروت، در تعیین سرنوشت انسان، نقشی مستقیم دارد. از این رو آشنایی بهتر با این پدیده ضروری می نماید. هدف از بیان این موضوع، اصلاح نگرش نسبت به ثروت و ثروتمندی است. استفاده بهتر از «مال» در راستای بهبود زندگی مسلمانان از بهره های این نوشتار به شمار می رود. این پژوهش با استفاده از آثار مکتوب و دیجیتال، آیات و روایات مرتبط را جمع آوری کرده و سرانجام، بخشی از آن ها به عنوان مواد مقاله، توصیف و تحلیل شده اند.

نگاشته هایی به صورت مستقل یا ضمنی به موضوع «ثروت» پرداخته اند. عده ای این موضوع را تنها از نگاه قرآن بررسی کرده اند و برخی علاوه بر قرآن، از احادیث معصومان علیهم السلام نیز بهره گرفته اند.^۱ این مقاله با رویکرد نمایاندن جایگاه ثروت در نگاه اسلام و نقش آن در زندگی و سرنوشت انسان نوشته شده است. وجه تمایز این نگاشته با تحقیقات دیگر، بهره گیری بیشتر از روایات، در ساختاری مناسب است. برخی مستندات به کار رفته ذیل بخش ها و همچنین برداشت ها از برخی آیات و روایات،

۱. نک: «نیایگرایی و پیامدهای آن از دیدگاه قرآن»، شکوفه جهانپور؛ «نیایگرایی و دنیایگرایی از دیدگاه قرآن»، حسین فقیه.

مستنداتی نو هستند که در دیگر نگاهها یافت نشد.

ساختار این نوشتار از سه بخش اصلی ترکیب یافته است؛ بخش اول به ارزش شمندی ثروت در نگاه قرآن و حدیث و بخش دوم، به جنبه نکوهیده مال اختصاص می‌یابد. در پایان به آسیب‌های ثروت اندوزی اشاره خواهد شد.

الف) ارزش ثروت در اسلام

بررسی برخی آیات و روایات نشان می‌دهد برخلاف تصور، اسلام با داشتن ثروت مخالف نیست. آموزه‌هایی چون حج، جهاد^۱ و پرداختن انواع صدقات، وابستگی زیادی به تمکن مالی دارند. دنیا بهترین یاری‌گر انسان مؤمن برای دست‌یابی به سعادت اخروی^۲ و یکی از اصول تأثیرگذار در نگاه داشت و استواری دین و زندگی اوست.^۳ توانگری انسان، عیب‌های او را می‌پوشاند،^۴ از آبرویش صیانت می‌کند^۵ و به او ارجمندی می‌بخشد.^۶ تعامل درست و به حق با ثروت، زمینه بقا و رشد جامعه اسلامی را فراهم می‌کند و در غیر این صورت، می‌تواند باعث عقب‌ماندگی آن شود.^۷ برای آشکاری هر چه بیشتر ارزش مال در نگاه اسلام، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. توصیه به بهره‌گیری از دنیا

کسب ثروت و بهره‌مندی از آن، در صورت رعایت ضوابطی چون حلال بودن درآمد، عدم اسراف و تبذیر و پرداختن حقوق دیگران، از نگاه اسلام دارای ارزش والایی است.^۸ خداوند در قرآن می‌فرماید:

۱. نک: آل عمران، ۹۷؛ نساء، ۹۵.
۲. نک: الکافی، ج ۵، ص ۷۲، ۹۶.
۳. نک: الأملی للطوسی، ص ۶۷۹، ح ۱۴۴۴.
۴. نک: من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳۳۸، ح ۹۸۴.
۵. نک: نهج البلاغه، ص ۳۴۷، حکمت ۲۲۵.
۶. نک: معانی الأخبار، ص ۴۰۵، ح ۷۶.
۷. نک: الکافی، ج ۴، ص ۲۵، ح ۱.
۸. نک: تدبیر معیشت از دیدگاه آیات و روایات، ص ۱۰۷.

﴿هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ ذُلُولًا فَأَمْشُوا فِي مَنَاكِبِهَا وَكُلُوا مِنْ رِزْقِهِ وَإِلَيْهِ النُّشُورُ﴾^۱

اوست که زمین را برای شما رام قرار داد. بنابراین بر اطراف و جوانب آن راه روید و از روزی خدا بخورید، و برانگیختن مردگان و رستاخیز به سوی اوست.

خداوند در این آیه به سیر بر روی زمین و بهره‌گیری از نعمت‌های الهی تو صیه می‌کند. ۱ سلام نه تنها ثروت را به طور کلی تخطئه نکرده، بلکه مؤمنان را از حرام کردن آن چه خداوند حلال کرده برحذر می‌دارد.^۲ به آن‌ها توصیه می‌کند از دنیا آن‌گونه بهره‌گیرند که گویا تا ابد در آن باقی خواهند ماند.^۳ بر اساس روایات، مؤمن، جمع کردن مال به اندازه نیاز و از راه حلال را دوست دارد.^۴ خداوند نیز دوست دارد اثر نعمتی را که به بندگان عطا کرده در آن‌ها ببیند.^۵

ترغیب به کسب معیشت، ارائه راهکارهایی برای افزایش روزی^۶ و تذکر نسبت به رفتارهایی که مانع جلب رزق اند، همگی تأکیدی بر بایستگی بر خورداری مسلمانان از ثروت‌های خدادادی است. آیات و روایات، با تذکر نسبت به عواملی که انسان به طور طبیعی آن‌ها را مانع دست‌یابی به روزی نمی‌داند، او را در بهره‌گیری بیشتر و بهتر از دنیا یاری کرده‌اند. برای نمونه، «گناه» به عنوان یکی از عوامل بازدارنده روزی، قلمداد شده است.^۷ این‌گونه آموزه‌ها، نشان از توجه اسلام به بُعد اقتصادی زندگی بشر در کنار رشد معنوی او دارد.

۱. ملک، ۱۵.

۲. مائده، ۸۷.

۳. نک: من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۱۵۶، ح ۳۵۶۹.

۴. نک: الکافی، ج ۵، ص ۷۲، ح ۵.

۵. نک: الأملی للطوسی، ص ۲۷۵، ح ۵۲۶؛ مکارم الأخلاق، ص ۴۱.

۶. نک: الصحیفة السجادیة، ص ۱۸۰، دعای ختم قرآن: «وَصَبَّ سَعَةَ الْأَرْزَاقِ»؛ من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۱۵۶، کِتَابُ الْمَعِيشَةِ؛ الکافی، ج ۵، ص ۶۵، کِتَابُ الْمَعِيشَةِ؛ وسائل الشیعة، ج ۱۷، ص ۹، کتاب التجارة؛ بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۱، أبواب المكاسب.

۷. نک: الکافی، ج ۲، ص ۲۷۱، ح ۱۱-۱۲.

گفتنی است توجه انسان به دنیا نباید آن سان باشد که به آخرتش زیان برساند.^۱ دست یابی به سعادت اخروی و قرب الهی، سنجه انسان در بهره گیری از نعمت های دنیایی است؛ همچنان که قرآن کریم با عبارت «وَأَبْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ»^۲ به این مطلب تصریح می کند.

۲. دعا برای وسعت رزق

قرآن و احادیث معصومان علیهم السلام به درخواست کردن روزی از خداوند سفارش کرده اند.^۳ ادعیه معصومان علیهم السلام به عنوان درخواست های حکیمانه شان از درگاه خداوند، می تواند معیاری مناسب برای ارزشمندی موضوعات مطرح شده در دعاهای ایشان باشد. یکی از درخواست های ایشان از خداوند در قالب دعا و مناجات، استدعای بی نیازی در دنیا است. ائمه علیهم السلام در دعاهای خویش رهایی از فقر و نیازمندی به غیر خدا را طلب می کردند؛ چنان که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در مناجات خویش به درگاه خدا عرضه می دارد:

وَ اكْسُنِي اللَّهُمَّ سَرَابِيلَ السَّعَةِ، وَ جَلَابِيبَ الدَّعَةِ؛ فَإِنِّي يَا رَبُّ مُتَّظِرٌ لِإِذْعَامِكَ بِحَذْفِ الْمَضِيقِ، وَ لَتَطْوُلِكَ بِقَطْعِ التَّعْوِيقِ، وَ لَتَفْضُلِكَ بِإِزَالَةِ التَّقْتِيرِ، وَ لَوْصُولِ حَبْلِ بَكْرَمِكَ بِالتَّيْسِيرِ؛^۴

خدایا! مرا جامه گشاده روزی و تن پوش رفاه بر تن کن. ای پروردگارا! من در انتظارم که به لطف خویش، تنگنایی را بزدایی؛ به بخشش، بازداشتگی [از رفاه] را پایان بخشی؛ به فضلت، تنگدستی را از میان برداری و به کرمیت، رشته زندگی ام را به تن آسانی برسانی.

۱. نک: تفسیر القمی، ج ۲، ص ۱۶۴.

۲. «در آن چه خدا به تو عطا کرده است سرای آخرت را بجوی». (قصص، ۷۷)

۳. نساء: ۳۲؛ الکافی، ج ۵، ص ۷۱، ح ۴.

۴. مهج الدعوات و منهج العبادات، ص ۲۶۱.

معصومان عليهم السلام گاهی درخواست افزایش روزی داشتند^۱ و در کنار آن از خداوند می خواستند این افزایش روزی به گونه ای باشد که سبب انحراف و نافرمانی نگردد. در دعایی موسوم به «دعای جامع»، از امام باقر عليه السلام چنین آمده است:

أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ الرَّفَاهِيَةَ فِي مَعِيشَتِي مَا أَبْقَيْتَنِي مَعِيشَةً أَقْوَى بِهَا عَلَى طَاعَتِكَ وَ أَبْلُغُ بِهَا رِضْوَانَكَ
وَ أَصِيرُ بِهَا مِنْكَ إِلَى دَارِ الْحَيَوَانِ غَدًا اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي رِزْقًا حَلَالًا يَكْفِينِي وَ لِمَا تَرَزُقُنِي رِزْقًا
يُطْغِينِي؛^۲

خدایا! از تو می خواهم تا آن گاه که زنده ام می داری، زندگانی ام را در رفاه داری، چندان که برای بندگی ات نیرو یابم و با آن، به شنودی ات دست یابم و از رهگذر آن، فردا، از جانب تو به سرای زندگانی [حقیقی] سیر کنم. خدایا! مرا روزی حلالی بخش که کفایت کند و روزی ای مرا نده که به سرکشی وادارم.

«رفاه» در لغت عرب به معنای «گشایش و آسانی در زندگی» است؛^۳ به خلاف زبان فارسی که به معنای «ناز و نعمت و تن آسایی» نیز می آید.^۴ اگر رفاه خواهی به مقدار رفع نیازهای ضروری و در راستای اهداف الهی انسان باشد، امری پسندیده است.

۳. نهی از تباه کردن ثروت

اسلام، تنها به ایجاد انگیزش در کسب و بهره گیری از ثروت اکتفا نکرده است. ارائه برنامه برای اهتمام به حفظ سرمایه و ممانعت از تباه کردن آن،^۵ از دیگر نشانه های ارجمندی مال در اسلام به شمار

۱. نک: الکافی، ج ۲، ص ۵۵۰، بَابُ الدُّعَاءِ لِلرِّزْقِ.

۲. تهذیب الأحکام، ج ۳، ص ۷۶، ح ۶.

۳. نک: کتاب العین، ج ۴، ص ۴۶؛ الصحاح، ج ۶، ص ۲۲۳۲؛ معجم مقاییس اللغة، ج ۲، ص ۴۱۹؛ النهایة فی غریب الحدیث و الأثر، ج ۲، ص ۲۴۷؛ لسان العرب، ج ۱۳، ص ۴۹۲.

۴. نک: دهخدا، ج ۲۶، ص ۵۳۳.

۵. «وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا». (نساء، ۵)

می رود. زراره می گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود:

مَا يُخَلِّفُ الرَّجُلُ شَيْئًا أَشَدَّ عَلَيْهِ مِنَ الْمَالِ الصَّامِتِ. قُلْتُ: كَيْفَ يَصْنَعُ بِهِ؟ قَالَ: يَجْعَلُهُ فِي الْحَائِطِ يَعْنِي فِي الْبُسْتَانِ أَوْ الدَّارِ؛^۱

در آن چه انسان از خود به جا می گذارد، هیچ چیز به اندازه مال خاموش (طلا و نقره)، به زیان او نیست. گفتم: با آن [اموال] چه کند؟ فرمود: آن را در ملک (باغ یا خانه) هزینه کند.

سر و سامان دادن به اموال از نشانه های ایمان^۲ و ضایع کردن آن، از دسیسه های شیطان به شمار می رود.^۳ شخص مسلمانی که دارایی خود را در غیر موردش صرف کند، به شدت سرزنش شده و این عمل او عین تبذیر و اسراف تلقی می شود و سبب پستی شخصیت وی نزد خداوند خواهد شد، هر چند ممکن است نامش نزد انسان ها رفعت یابد.^۴ هزینه کردن مال در راه نافرمانی خداوند،^۵ ساختن بنایی بیش از نیاز^۶ و انفاق نابجا و...^۷ از مصادیق تباه کردن ثروت به شمار می روند. مؤمن در معیشت خود تدبیر می کند.^۸ او با نگهداری درست از دارایی اش، کرامت و شخصیت اجتماعی خود را حفظ خواهد کرد. نیکو نگهداری کردن از اموال، از جمله تکالیف شرعی شخص مسلمان است.

بنابراین مال دنیا، در نگاه دینی دارای ارزش های فراوانی است. برخورداری از مال دنیا برکاتی نیز به همراه دارد. استفاده از ثروت در راستای کسب رضایت خداوند، به رشد معنوی انسان کمک می کند؛ چنان که در مباحث پیشین بیان شد، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مال را عنصری تأثیرگذار در عمل به واجبات الهی

۱. الکافی، ج ۵، ص ۹۱، ح ۲.

۲. نک: من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۱۶۶، ح ۳۶۱۷.

۳. نک: الخصال، ج ۱، ص ۱۳۲، ح ۱۴۱.

۴. نک: الکافی، ج ۴، ص ۳۱، ح ۳.

۵. نک: وسائل الشیعة، ج ۱۷، ص ۹، أبواب ما یکتسب به.

۶. نک: المحاسن، ج ۲، ص ۶۰۸، ح ۳.

۷. نک: الخصال، ج ۱، ص ۲۶۳، ح ۱۴۲ - ۱۴۳.

۸. نک: الکافی، ج ۲، ص ۲۴۱، ح ۳۸.

شمرده است.^۱ شخصی که دل در گرو مال ندارد، خُلق های نیکو در او رشد می کند؛ حقوق مالی واجب یا مستحب خود را بدون اکراه و با اخلاص می پردازد. به انصاف و عدالت در امور مالی را رعایت و ادای امانت اقدام می کند؛ اگر مالی از او تلف شود ناشکیبایی نمی کند؛ در معیشتش به مقدار ضرورت و نیاز قناعت کرده و از حرص در امان است. کسی که دل بسته دنیا نباشد، در رسیدگی به امور مسلمانان اهتمام می ورزد؛ اموال خود را برای اصلاح بین انسان ها و برطرف کردن نیازهای دیگران به کار می گیرد. همه این موارد و بیشتر از آن، در برخورداری از مال محقق می شود.

۴. نکوهش فقر

یکی دیگر از شواهد گواهی دهنده بر اهمیت مسائل اقتصادی در نگاه اسلام، نکوهش فقر مالی است. روایات، از فقر به «شر» و از بی نیازی به «خیر» تعبیر می کنند.^۲ در نگاه امام علی علیه السلام، مرگ بر فقر برتری دارد.^۳

فقر، گاه بر اعتقادات شخص، تأثیرگذار است؛ انسان را به وادی جهالت افکنده^۴ و او را در معرض گرایش به کفر قرار می دهد.^۵ این اثرگذاری، در روایت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به تصویر کشیده شده است:

اللَّهُمَّ بَارِكْ لَنَا فِي الْخُبْزِ، وَلَا تَفَرِّقْ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُ؛ فَلَوْلَا الْخُبْزُ مَا صَلَّيْنَا وَلَا صُمْنَا، وَلَا أَدِينَا فَرَائِضَ رَبِّنَا؛^۶

خدایا! برای ما در نان برکت قرار ده و میان ما و آن، جدایی نینداز. اگر نان نبود، ما نماز نمی خواندیم و روزه نمی گرفتیم و واجب های پروردگاران را انجام نمی دادیم.

۱. نک: المحاسن، ج ۲، ص ۵۸۶، ح ۸۳.

۲. نک: الجعفریات، ص ۲۳۳.

۳. «الْقَبْرُ خَيْرٌ مِنَ الْفَقْرِ». (الکافی، ج ۸، ص ۱۸، ح ۴)

۴. نک: تحف العقول، ص ۴۰۱، جنود العقل و الجهل.

۵. نک: الأملی للصدوق، ص ۲۹۵، ح ۶.

۶. المحاسن، ج ۲، ص ۵۸۶، ح ۸۳.

یکی دیگر از عرصه های اثرگذاری فقر، حوزه سلامت است. امام علی علیه السلام می فرماید:

مَنْ افْتَقَرَ فِيهَا [أَيِ فِي الدُّنْيَا] حَزَنٌ؛^۱

تهی دست در دنیا، گرفتار اندوه است.

تهی دستی، بر سلامت روان انسان، تأثیری مستقیم دارد. شخصی که دغدغه رفع ابتدایی ترین نیازهای

خود را داشته باشد، همواره در اندوه به سر می برد؛ اما اگر معیشت او فراهم باشد، خاطری آسوده

دارد.^۲ حقارت، یکی دیگر از آسیب های حاجتمندی به دیگران است. امیرالمؤمنین علیه السلام در توصیه ای به

امام حسن علیه السلام فرموده است:

يَا بُنَيَّ! الْفَقِيرُ حَقِيرٌ؛ لَا يَسْمَعُ كَلَامَهُ، وَلَا يُعْرِفُ مَقَامَهُ، وَلَوْ كَانَ الْفَقِيرُ صَادِقًا يُسَمُّونَهُ كَاذِبًا،

وَلَوْ كَانَ زَاهِدًا يُسَمُّونَهُ جَاهِلًا ... فَنَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الْفَقْرِ؛^۳

ای پسر! فقیر کوچک است؛ سخنش شنیده نمی شود و رتبه اش دانسته نیست. فقیر هر چند

راست گو باشد، دروغ گویش می خوانند و اگر زهد پیشه کند، نادانش می شمارند. پس از

فقر به خداوند پناه می جویم.

نیازمندی به دیگران، چه بسا انسان را محتاج بخیل کرده^۴ و او را به حقارت بکشاند. از دیگر آسیب

های فقر، سستی در باور، کاستی در خرد، سبکی در دین و کم حیایی است.^۵

معصومان علیهم السلام همان گونه که از خداوند عدم ابتلا به فقر را خواسته اند، به دوری از مالی که سبب

۱. نهج البلاغة؛ ص ۱۰۶، حکمت ۸۲.

۲. «فَإِذَا هِيَ أَحْرَزَتْ مَعِيشَتَهَا أَطْمَأْنَتْ». (الكافی، ج ۵، ص ۶۵، ح ۱)

۳. جامع الأخبار، ص ۱۱۰.

۴. نک: من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص ۴۰۱، ح ۵۸۶۲.

۵. نک: جامع الأخبار، ص ۱۱۰.

کژی و سرکشی انسان می شود نیز سفارش کرده اند.^۱ بنابراین، سفارش به تلاش برای فراهم کردن معیشت، بهره گیری از مال و توصیه به حفظ دارایی و سرمایه، نشان از ارزشمندی تمکن مالی در اسلام است؛ البته اسلام ثروتی را که وسیله فرمان برداری از خداوند باشد، ستایش می کند. بیان آثار سوء فقر بر زندگی انسان و توصیه به تلاش برای کسب توانایی مالی نیز نشانه اهمیت مال در نگاه دین اسلام است.

ب) نکوهش ثروت

آیات و روایات بسیاری در نکوهش دنیا وارد شده اند. در جهان بینی الهی از حب دنیا به عنوان ریشه شهوات^۲ و منشأ تمام اشتباهات بشری یاد می شود.^۳ مال و ثروت، از جمله مصادیق دنیا است. قرآن، از زندگی دنیا و اموال انسان، با لفظ «متاع غرور»^۴ یاد می کند. متاع در لغت، به معنای هر چیزی است که انسان از آن بهره می برد^۵ و غرور به معنای خدعه و فریب آمده است.^۶ مراد این است که طالب دنیا هرچند که در ظاهر سود می برد، اما در باطن فریب خورده است. در جایی دیگر، مال دنیا به «زخرف»^۷ یعنی آراستن و نیکو جلوه دادن باطل^۸ توصیف شده است.

فرهنگ اسلامی، مال و مکنت را به خودی خود ارزش به شمار نمی آورد. خداوند در قرآن کریم می فرماید:

﴿وَلَوْ لَا أَنْ يَكُونَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً لَجَعَلْنَا لِمَنْ يَكْفُرُ بِالرَّحْمَنِ لِيُوتِيَهُمْ سُقْفًا مِنْ فضةٍ وَ

۱. نک: الکافی، ج ۲، ص ۵۸۷، ح ۲۶.

۲. نک: نهج البلاغة، ص ۴۷۸، حکمت ۵۸.

۳. نک: الخصال، ج ۱، ص ۲۵، ح ۸۷.

۴. حدید، ۲۰.

۵. نک: لسان العرب، ج ۸، ص ۳۲۹؛ معجم مقاییس اللغة، ج ۵، ص ۲۹۴.

۶. نک: الصحاح، ج ۲، ص ۷۶۸؛ المصباح المنیر، ص ۴۴۵.

۷. زخرف، ۳۵.

۸. نک: تاج العروس، ج ۱۲، ص ۲۴۶؛ مجمع البحرین، ج ۵، ص ۶۵.

مَعَارِجَ عَلَيْهَا يَظْهَرُونَ * وَ لَبِئَتْهُمْ أَبْوَاباً وَ سُرُوراً عَلَيْهَا يَتَكَوَّنُونَ^۱؛

و اگر نه آن بود که [همه] مردم [در انکار خدا] امّتی واحد گردند، قطعاً برای خانه های آنان که به [خدای] رحمان کفر می ورزیدند، سقف ها و نردبان هایی از نقره که بر آن ها بالا روند قرار می دادیم، و برای خانه هایشان نیز درها و تخت هایی که بر آن ها تکیه زنند.

این آیه بی ارزشی کثرت مال را بیان می کند. اگر شخصی با خداوند از در دشمنی وارد شود، خداوند نیز دشمنی خود را این گونه آشکار می کند که او را صاحب عده و عده قرار می دهد. این وضعیت، سبب خواهد شد شخص مال پرست، هر دم در گرداب دنیا فرو رود و در معرض عذاب شدید الهی قرار گیرد؛^۲ عذابی که خداوند وعده آن را در همین دنیا نیز داده است.^۳ پس جای شگفتی نیست اگر بر ثروت ظالمی افزوده شود. این ثروت، عقوبت ظلمی است که روا می دارد، نه نشانه برتری اش و همین ثروت، به ابزار نابودی او بدل خواهد شد؛ چنان که قرآن این ضابطه الهی را در قالب داستان قارون به تصویر می کشد.^۴ بنا به اعتراف خود شیطان، مال دنیا بهترین و کارآمدترین ابزار برای آلوده کردن انسان به پلیدی هاست.^۵

روایات، با عناوین مختلفی به نکوهش دنیاگرایی و مال اندوزی پرداخته اند که در ادامه به برخی از آن ها اشاره می شود.

۱. زخرف، ۳۳ - ۳۴.

۲. حدید، ۲۰.

۳. توبه، ۸۵.

۴. قصص، ۷۶.

۵. نک: الخصال، ج ۱، ص ۱۳۲، ح ۱۴۲.

۱. مال، سرکرده بدی ها

دارایی هر شخص می تواند او را از راه هدایت گمراه کند. پیامبر ﷺ در ویژگی امیر مؤمنان علیؑ و

دشمنان ایشان می فرماید:

إِنَّهُ يَعْسُوبُ الْمُؤْمِنِينَ، وَالْمَالُ يَعْسُوبُ الظَّالِمَةَ؛^۱

علیؑ رهبر مؤمنان و مال، سرکرده ستمکاران است.

رغبت به مال، سبب گمراهی گمراهان و عامل اصلی دشمنی آن ها با مؤمنان خواهد شد. بر اساس برخی روایات، مال دوستی، انسان را نسبت به منبع درآمدش بی مبالا می کند و برای او دست یابی به ثروت، چه از راه حلال باشد یا حرام، تفاوتی نخواهد کرد.^۲ از این رو از درآمدهای ظالمانه نیز باکی ندارد.

۲. حرمت ثروت اندوزی

اسلام اندوختن ثروت و خنثی نگه داشتن آن را حرام کرده است. امام باقرؑ در تفسیر آیه ﴿وَالَّذِينَ

يَكْتُمُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يَنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ﴾^۳ فرموده است:

إِنَّ اللَّهَ حَرَّمَ كَنْزَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ، وَأَمَرَ بِانْفِقَائِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ؛^۴

همانا خداوند اندوختن طلا و نقره را حرام کرده و به انفاق آن ها در راه خداوند امر

کرده است.

«الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ» کنایه از مال و دارایی است. عذاب الهی زمانی دامان انسان را می گیرد که واجبی

۱. الإرشاد، ج ۱، ص ۳۱.

۲. نک: التوحید، ص ۳۰۷.

۳. «و کسانی را که طلا و نقره می اندوزند و آن را در راه خدا هزینه نمی کنند، به عذاب دردناکی مژده ده». (توبه، ۳۴)

۴. تفسیر القمی، ج ۱، ص ۲۸۹.

را ترک کند و مرتکب حرام شود. خداوند به برخی، دارایی فراوان عطا کرده که آن را در راهی که معین نموده صرف کنند.^۱ از این رو اندوختن ثروت برای خود یا مصرف نابجای آن، بر خلاف خواسته خداوند و حرام است.

۳. مال، مایه فریب

دنیا در ظاهر شیرین است، اما باطنی فریبنده دارد. مال و دارایی انسان، به عنوان یکی از مصادیق دنیا، دارای همین ویژگی است. امام صادق علیه السلام دنیا را به آب دریا تشبیه می کند که نو شنده از آن هیچ گاه سیراب نخواهد شد:

مَثَلُ الدُّنْيَا كَمَثَلِ مَاءِ الْبَحْرِ كُلَّمَا شَرِبَ مِنْهُ الْعَطْشَانُ أَزْدَادَ عَطْشًا حَتَّى يَقْتُلَهُ؛^۲

حکایت دنیا، حکایت آب دریاست که هرچه تشنه از آن بیشتر بنوشد، تشنه تر می شود تا سرانجام، او را بکشد.

از سانی که فریب خورده ظاهر دنیا شده، مانند کسی است که فریب گوارا بودن آب دریا را خورده باشد. اگر انسان هدفش از رسیدن به دریا رفع تشنگی با آب دریا باشد، هیچ گاه به هدف خود نخواهد رسید؛ اما اگر دریا را وسیله حرکت و به دست آوردن آب گوارا قرار دهد، چه بسا به هدف خود برسد. مثل دنیا نیز این گونه است که اگر انسان، دنیا را به خاطر خود دنیا و سیر شدن از آن بخواهد، فریب خورده و هیچ گاه احساس سیری نمی کند.

۱. نک: من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۷، ح ۱۶۹۳.
۲. الکافی، ج ۲، ص ۱۳۶، ح ۲۴.

ثروتمندان دنیا پرست، مردگان متحرک اند.^۱ امام باقر علیه السلام به شخصی چنین توصیه فرمود:

يا فُلَانُ! لا تُجَالِسِ الْأَغْنِيَاءَ، فَإِنَّ الْعَبْدَ يُجَالِسُهُمْ وَهُوَ يَرَى أَنَّ لِلَّهِ عَلَيْهِ نِعْمَةً، فَمَا يَقُومُ حَتَّى يَرَى أَنَّ لَيْسَ لِلَّهِ عَلَيْهِ نِعْمَةٌ؟^۲

ای فلانی! با توانگران همنشینی نکن؛ زیرا بنده در حالی که معتقد است خدا به او نعمت داده، نزد آن ها می نشیند و از نزد آن ها بر نمی خیزد، مگر آن که معتقد می شود خداوند به او نعمتی نداده است.

خداوند در قلب ثروتمندانی که همه دغدغه و همه شان دنیا ست، جایی ندارد. از این رو همنشینی با آنان، قلب را می میراند.^۳

دقت در آیات و روایات مذمت کننده دنیا نشان می دهد اصل دنیا مذموم نیست و اگر «مال دوستی» به گونه ای باشد که انسان را از توجه به خداوند و آخرت باز دارد، نکوهیده است.^۴ اسلام از «ثروت اندوزی» نهی می کند؛^۵ البته جمع کردن مال، با رعایت برخی شرایط، ستایش شده است. امام صادق علیه السلام فرموده است:

لَا خَيْرَ فِي مَنْ لَا يُحِبُّ جَمَعَ الْمَالِ مِنْ حَلَالٍ يَكْفُ بِهِ وَجْهَهُ وَيَقْضِي بِهِ دَيْنَهُ وَيَصِلُ بِهِ رَحْمَةً؟^۶

۱. نک: الخصال، ج ۱، ص ۲۲۸، ح ۶۵.
۲. الأملی للصدوق، ص ۲۵۳، ح ۳.
۳. نک: الکافی، ج ۲، ص ۶۴۱، ح ۸.
۴. نک: الزهد، ص ۵۸.
۵. نک: تفسیر القمی، ج ۱، ص ۲۸۹.
۶. الکافی، ج ۵، ص ۷۲، ح ۵.

خیری در آن کس نیست که دوست ندارد مالی از حلال به دست آورد و با آن آبروی خود را حفظ کند و دین خود را پردازد و صله رحم به جای آورد.

بر اساس این روایت، به دست آوردن مال و مصرف آن در رفع نیازهای ضروری زندگی کاری پسندیده به شمار می رود. آن چه در اسلام سرزنش شده، این است که انسان همه همت خود را به آباد کردن دنیا معطوف کند و از آخرت غافل شود. اسلام پول پرستی را محکوم می کند؛ اما در عین حال به تولید ثروت، مبادله، مصرف آن به شرط تضییع نکردن اموال، توصیه کرده است. از این رو توجه به مرزبندی دین، بین بهره مندی درست از دنیا و دنیا دوستی، ضروری است.

ج) آسیب های ثروت اندوزی

از جمله موضوعات مطرح درباره مال، آسیب های آن است. مال دوستی، حبّ به خداوند را از دل انسان بیرون می کند.^۱ ثروت فراوان، سبب گردن کشی انسان در مقابل خداوند می شود. اگر اموال انسان بسیار شود، خود را بی نیاز می پندارد^۲ و شروع به فساد و سرکشی خواهد کرد.^۳ قرآن، گروه صاحبان ثروت را جریان همیشه معاند در برابر فرستادگان الهی معرفی می کند:

﴿وَكَذَلِكَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ فِي قَرْيَةٍ مِنْ نَذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَىٰ آثَارِهِمْ مُقْتَدُونَ﴾^۴

و به همین گونه پیش از تو در هیچ شهری بیم دهنده ای نفرستادیم، مگر آن که سران خوش گذران و مست و مغرورش گفتند: ما پدرانمان را بر آیینی یافتیم و ما هم حتماً به آثارشان

۱. نک: الکافی، ج ۸، ص ۱۲۸، ح ۹۸.

۲. علق، ۶-۷.

۳. شوری، ۲۷.

۴. زخرف، ۲۳.

اقتدا می کنیم.

«مترَف» از ماده «ترف» است و به کسی گفته می شود که نعمت فراوان، او را به فساد و طغیان بکشانند.^۱ این آیه از جریانی سخن می گوید که همی شه در مقابل حق می ایستادند. آن ها ثروتمندانی بودند که به خاطر برخورداری از نعمت فراوان، در برابر فرستادگان الهی گردن کشی کرده و از پذیرش کلام حق خودداری می کردند.

محبت به دنیا، عمل برای آخرت را از یاد انسان می برد^۲ و دین او را فاسد می گرداند.^۳

امام علی علیه السلام درباره عاقبت مال دوستی می فرماید:

مَنْ أَحَبَّ الدِّينَارَ وَ الدَّرْهَمَ فَهُوَ عَبْدُ الدُّنْيَا؛^۴

هر کس درهم و دینار را دوست بدارد، بنده دنیاست.

دوستی دنیا، به دنیاپرستی می انجامد. اگر دنیا برای انسان با عظمت به نظر برسد، سبب می شود انسان، آن را بر خداوند ترجیح دهد و به جای بندگی خدا، دنیا را بپرستد.^۵

هر چه مال بیشتر باشد، دل بستگی به آن شدیدتر و دل کندن از آن مشکل تر است؛ تا جایی که ممکن است انسان برای تأمین حیات دنیایی و حفظ دارایی هایش، از اصول دینی خود دست بکشد. خداوند در قرآن با بیان داستان قارون این مطلب را گوشزد کرده است؛ قارون، در پاسخ به نصیحت قومش _ که وی را از فساد نهی و به استفاده ثروتش در راه خدا توصیه می کردند _ گفت:

﴿إِنَّمَا أُوتِيْتُهُ عَلٰى عِلْمٍ عِنْدِي﴾^۶

۱. نک: لسان العرب، ج ۹، ص ۱۷.

۲. قیامه، ۲۰ - ۲۱؛ انسان، ۲۷.

۳. نک: الزهد، ص ۵۸، ح ۱۵۵.

۴. الخصال، ج ۱، ص ۱۱۳، ح ۱۹.

۵. نک: نهج البلاغة، ص ۲۲۴، خطبه ۱۶۰.

۶. قصص، ۷۸.

جز این نیست که این [ثروت و مال انبوه] را بر پایه دانشی که نزد من است به من داده اند.

انکار توحید و خود را در عرض خدای رزاق قرار دادن، حاصل دل بستگی به دنیا است. قارون به سبب خودداری از انفاق و برای پشتیبانی از آن اموال، زیرکی خود را عامل توانگری اش قلمداد کرد. از این رو ثروت زیاد، سبب غفلت انسان از منعم حقیقی و زمینه ای مساعد برای سرکشی است.

دنیادوستی و مال اندوزی، عرصه ای مناسب برای ظهور رذایل اخلاقی به شمار می رود. ثروت زیاد، انسان را خوش گذران می کند و قلب او را می میراند.^۱ وابستگی به دنیا، انسان را آزمند می سازد.^۲ هر اندازه گشایش در امر دنیا حاصل شود، به همان میزان دری از حرص بر روی انسان گشوده خواهد شد.^۳ شخص مال پرست به سبب ترس از نقص در اموالش، بخل می ورزد و از انفاق خودداری می کند.^۴ کسانی که شیفته به دست آوردن مال اند، چه بسا برای رسیدن به خواسته خود، حقوقی را پایمال کنند. از این رو یکی از آسیب های دنیاگرایی و ثروت اندوزی نادیده گرفتن حقوق دیگران و گسترش ظلم است.

دنیاطلبی، آرامش را از انسان سلب می کند. شیطان به انسان چنین القا می کند که مال بیشتر، راحتی به ارمغان می آورد و با همین ترفند او را به سوی رنج و سختی سوق می دهد.^۵ برخوردار بی بیشتر از دنیا، نه تنها سبب آسودگی نمی شود، بلکه به نیازمندی به دیگران و ابزارهای گوناگون، برای نگهداری

و رسیدگی به اموال شدت می بخشد. امام صادق علیه السلام درباره آفت وابستگی به دنیا می فرماید:

۱. نک: الخصال، ج ۱، ص ۲۲۸، ح ۶۵.
۲. نک: الکافی، ج ۲، ص ۱۳۶، ح ۲۴.
۳. نک: همان، ص ۳۱۹، ح ۱۲.
۴. اسراء، ۱۰۰.
۵. نک: الخصال، ج ۱، ص ۶۴، ح ۹۵.

مَنْ كَثُرَ اشْتِبَاكُهُ بِالْدُّنْيَا، كَانَ أَشَدَّ لِحَسْرَتِهِ عِنْدَ فِرَاقِهَا؛^۱

کسی که زیاد گرفتار دنیا شود، هنگام جدا شدن از آن، بیشترین افسوس را می خورد.

انسان وابسته به ثروت، تا زمانی که اموالش را در اختیار دارد، دائم نگران از دست دادن آن است.^۲ از این رو برای جلوگیری از کم شدن یا از کف دادن آن، چه بسا سختی و حقارت^۳ را بر خود تحمیل می کند و زمانی که دستش از اموالش کوتاه می شود، افسوس گریبان او را می گیرد.

کسانی که دنیا به آن ها روی می آورد، اگر از انفاق دارایی شان خودداری کنند، عذابی دردناک در انتظارشان است.^۴ در روایتی از پیامبر ﷺ آمده است:

إِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ فِي الدُّنْيَا شَبَعًا أَكْثَرُهُمْ جَوْعًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛^۵

سیرترین مردم در دنیا، گرسنه ترین آن ها در روز قیامت است.

بهره مندی از دنیا به خودی خود سبب محرومیت در قیامت نیست؛ بلکه دل بستگی به دنیا سبب می شود انسان حقوق الهی و انسانی که خداوند در اموال او قرار داده را فراموش کند و در آخرت، دچار اندوه شود. این روایت حکم کلی نمی دهد که هرکس در دنیا سیر بود، در آخرت بی بهره است. تعبیر به «اکثر»، اشاره به این نکته است که پیامد اصلی و اولیه دنیاگرایی، وابستگی به آن و انحراف است؛ مگر عده ای اندک که در عین تمکن، به دنیا دل بستگی ندارند.

بنابراین اگر هدف از دست یابی به ثروت، تنها بهره مندی از لذات دنیایی باشد، انسان را از راه سعادت منحرف می کند. او آخرت را فراموش کرده و از تمکین در برابر کلام حق

۱. الکافی، ج ۲، ص ۳۲۰، ح ۱۶.

۲. نک: تحف العقول، ص ۳۵۸.

۳. نک: الإرشاد، ج ۱، ص ۳۰۱.

۴. نک: توبه: ۳۴ - ۳۵.

۵. عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۳۸، ح ۱۱۳.

سر باز می زند. چنین شخصی به پرستش غیر خدا روی می آورد. ثروت اندوزی زمینه پدیدار شدن بد اخلاقی هاست. کسانی که دنیا را هدف خود قرار داده اند، هیچ گاه روی آرامش را نخواهند دید.

نتیجه گیری

اسلام به ثروت و جایگاه آن، توجهی ویژه دارد؛ زیرا چگونگی تعامل انسان با مال دنیا، در سعادت و شقاوت او، نقشی بسزا ایفا می کند. آیات و روایات، با شیوه های گوناگون به بهره گیری از ثروت تأکید کرده اند. توصیه به کار و کسب روزی، حفظ دارایی، نکوهش فقر و... نشان از توجه ویژه دین به امور مادی انسان در کنار مسائل معنوی او دارد.

دین اسلام از «ثروت اندوزی» و «مال دوستی» به دلیل آسیب های اعتقادی، اخلاقی، روانی و اخروی آن بازمی دارد. باید دید آیا انسان دست یابی به ثروت را هدف خود قرار داده یا آن را ابزاری برای رسیدن به سعادت ابدی قرار می دهد؟ بنابراین بهره گیری از مال در راستای دست یابی به قرب الهی و مصالح آخرتی در کنار تأمین منافع دنیایی امری پسندیده است. در مقابل، اسلام انسانی را که همه آرمانش دست یابی به دنیا باشد، گمراه قلمداد می کند.

۱. قرآن کریم، ترجمه: حسین انصاریان، قم، اسوه، اول، ۱۳۸۳ش.
۲. الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، محمد بن محمد مفید، تحقیق: مؤسسه آل البيت عليه السلام، قم، کنگره شیخ مفید، اول، ۱۴۱۳ق.
۳. الأمالی، محمد بن حسن طوسی، تحقیق: مؤسسه البعثة، قم، دار الثقافة، اول، ۱۴۱۴ق.
۴. الأمالی، محمد بن علی بن بابویه، تهران، کتابچی، ششم، ۱۳۷۶ش.
۵. بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار عليهم السلام، محمدباقر بن محمدتقی مجلسی، بیروت، دار إحياء التراث العربی، دوم، ۱۴۰۳ق.
۶. تاج العروس، محمد بن محمد مرتضی زبیدی، تحقیق: علی شیری، بیروت، دار الفکر، اول، ۱۴۱۴ق.
۷. تحف العقول، حسن بن علی بن شعبه حرانی، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدر سین، دوم، ۱۴۰۴ق / ۱۳۶۳ش.
۸. تدبیر معیشت از دیدگاه آیات و روایات، قربان جمالی، قم، زمزم هدایت، اول، ۱۳۸۵ش.
۹. تفسیر القمی، علی بن ابراهیم قمی، تحقیق: طیب موسوی جزائری، قم، دار الكتاب، سوم، ۱۴۰۴ق.
۱۰. التوحید، محمد بن علی بن بابویه، تحقیق: هاشم حسینی، قم، جامعه مدرسین، اول، ۱۳۹۸ق.
۱۱. تهذیب الأحكام، محمد بن حسن طوسی، تحقیق: حسن الموسوی خرسان، تهران، دارالکتب الإسلامیه، چهارم، ۱۴۰۷ق.
۱۲. جامع الأخبار، محمد بن محمد شعیری، نجف، مطبعة حیدریه، اول، بی تا.

۱۳. الجعفریات، محمد بن محمد بن اشعث، تهران، مكتبة النینوی الحديثة، اول، بی تا.
۱۴. الخصال، محمد بن علی بن بابویه، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین، اول، ۱۳۶۲ش
۱۵. الزهد، حسین بن سعید کوفی اهوازی، تحقیق: غلامرضا عرفانیان یزدی، قم، المطبعة العلمية، دوم، ۱۴۰۲ق.
۱۶. الصحاح، اسماعیل بن حماد جوهری، تحقیق: احمد عبدالغفور عطار، بیروت، دار العلم للملایین، اول، ۱۳۷۶ق.
۱۷. الصحیفة السجادیة، امام علی بن الحسین علیه السلام، قم، دفتر نشر الهادی، اول، ۱۳۷۶ش.
۱۸. عیون أخبار الرضا علیه السلام، محمد بن علی بن بابویه، تحقیق: مهدی لاجوردی، تهران، نشر جهان، اول، ۱۳۷۸ق.
۱۹. الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، تحقیق: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران، دارالکتب الإسلامية، چهارم، ۱۴۰۷ق.
۲۰. کتاب العین، خلیل بن احمد فراهیدی، قم، هجرت، دوم، ۱۴۰۹ق.
۲۱. لسان العرب، محمد بن مکرم بن منظور، بیروت، دار صادر، سوم، ۱۴۱۴ق.
۲۲. لغت نامه دهخدا، علی اکبر دهخدا، تهران، چاپخانه دانشگاه تهران، ۱۳۳۹ش.
۲۳. مجمع البحرین، فخرالدین بن محمد طریحی، تحقیق: احمد حسینی اشکوری، تهران، مرتضوی، سوم، ۱۳۷۵ش.
۲۴. المحاسن، احمد بن محمد بن خالد برقی، تحقیق: جلال الدین محدث، قم، دارالکتب الإسلامية، دوم، ۱۳۷۱ق.

۲۵. المصباح المنیر ، احمد بن محمد فیومی ، قم ، مؤسسه دار الهجرة ، دوم ، ۱۴۱۴ ق .
۲۶. معانی الأخبار ، محمد بن علی بن بابویه ، تحقیق: علی اکبر غفاری ، قم ، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه ، اول ، ۱۴۰۳ ق .
۲۷. معجم مقایس اللغة ، احمد بن فارس ، تحقیق: عبدالسلام محمد هارون ، قم ، مکتب الاعلام الاسلامی ، اول ، ۱۴۰۴ ق .
۲۸. من لا یحضره الفقیه ، محمد بن علی بن بابویه ، تحقیق: علی اکبر غفاری ، قم ، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم ، دوم ، ۱۴۱۳ ق .
۲۹. مهج الدعوات و منهج العبادات ، علی بن موسی بن طاووس ، تحقیق: ابوطالب کرمانی و محمد حسن محرز ، قم ، دارالذخائر ، اول ، ۱۴۱۱ ق .
۳۰. النهایة فی غریب الحدیث و الأثر ، مبارک بن محمد بن اثیر ، تحقیق: محمود محمد طناحی و طاهر احمد زاوی ، قم ، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان ، چهارم ، ۱۳۶۷ ش .
۳۱. نهج البلاغه ، محمد بن حسین شریف الرضی ، تحقیق: صبحی صالح ، قم ، هجرت ، اول ، ۱۴۱۴ ق .
۳۲. و سائل الشیعة ، محمد بن حسن حر عاملی ، تحقیق: مؤسسه آل البيت علیهم السلام ، قم ، مؤسسه آل البيت علیهم السلام ، اول ، ۱۴۰۹ ق .

